

بررسی تاریخی ادوار جوامع بشری بر مبنای آیه ۲۱۳ سوره مبارکه بقره و نقد نظریه تاریخی کارل مارکس

معصومه سالخورده دانشجوی دکتری دانشگاه قرآن و حدیث

m.salkhordeh27@gmail.com

کاظم قاضی زاده استادیار دانشگاه قرآن و حدیث

ghazizadeh_kazem@yahoo.com

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۱۲)



چکیده

از جمله آیاتی که وجوه متفاوتی برای تبیین مفاهیم آن ارائه گردیده آیه ۲۱۳ سوره مبارکه بقره می‌باشد، که پاسخگویی به سؤالات پیرامون آن به ارائه سیری تاریخی از تکامل اجتماعی و اندیشه‌ای بشر می‌انجامد. نتیجه حاصل از تحلیل آیه این است: انسان‌هایی که در فاصله زمانی میان حضرت آدم و نوح علیه السلام می‌زیسته‌اند، اجتماعی برخوردار از وحدت فطری و معیشتی بوده، سپس در امور دنیوی دچار اختلاف شدند؛ اختلافی ناشی از فطرت که زمینه‌ساز بعثت انبیاء اولوالعزم علیهم السلام و نزول کتاب الهی گردید. برخی ایمان آورده و هدایت یافتند، عده‌ای با ایجاد اختلاف در کتاب الهی زمینه ضلالت خود را فراهم نمودند. لذا آیه اشاره به دو اختلاف دارد: اختلافی به مقتضای فطرت، و اختلافی مستند به بغی، عامل رفع اختلاف نیز دین می‌باشد. بر مبنای این آیه سیر تاریخی جوامع بشری از وحدت به اختلاف، بعثت پیامبران عامل اصلی در تاریخ تکامل بشری و باور توحیدی عنصر ارزنده تحقق یافتن وحدت انسانی در مراحل تاریخ می‌باشد. تاریخ در گذر از وحدت به اختلاف و از اختلاف به وحدت توحیدی - اجتماعی نهایی است. تفاوت نظریه مارکس که عنصر اصلی تحول اجتماع را اقتصاد می‌داند با نظریه مبتنی بر قرآن و واقعیت تاریخ، لحاظ نکردن عنصر عقیده، توحید و نقش سازنده پیامبران در مراحل تاریخی ادوار بشریت است. از اینرو سیر

حرکت و تکامل تاریخ را می‌توان مطابق با واقع و بر محور ظهور انبیای صاحب کتاب دسته‌بندی نمود، نه صرفاً بر مبنای اقتصاد.
کلیدواژه‌ها: امت واحد، ادوار جوامع بشری، تفسیر آیه ۲۱۳ سوره بقره، نظریه تاریخی کارل مارکس.

مقدمه

تعبیر «امّة واحدة» در آیه ۹ از قرآن کریم مطرح شده است. این آیات قابل تقسیم به چهار بخش است:

الف: این دسته از آیات ۱ ناظر به جامعه ایمانی و مراد امت مؤمنین است، نه صرفاً امت به معنای ناس و بیان می‌کند نوع انسان‌ها امتی واحد و دارای ربّی واحدند. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ق: ۱۴/۳۲۱)

ب: آیاتی ۲ که بیانگر اختیار انسان برای دستیابی به امت واحد است، و مشیت جبر آمیز خداوند برای رسیدن به امت واحد را نفی می‌کند، (پیغان، ۱۳۸۰: ش) محوریت این آیات با ناس و ناظر به امت واحد بشری، (طباطبایی، ۱۳۹۰: ق: ۶۵/۱۱؛ فخر الدین رازی، ۱۴۲۰: ق: ۹، جزء ۱۸، ۷۸؛ رشید رضا، ۱۴۱۴: ق: ۱۹۳/۱۲) مراد وحدت و اختلاف در دین، (طباطبایی، ۱۳۹۰: ش: ۱۱/۶۱) و علت عدم اتحاد، امتحان انسان است. (رشید رضا، ۱۴۱۴: ق: ۱۹۳/۱۲) دو آیه ناظر به امت‌های پیشین، (هود/۱۱۸؛ الشوری/۸). یک آیه مشترک میان امت‌های پیشین و امت اسلام ۳ و آیه‌ای دیگر (نحل/۹۳) ناظر به وحدت امت اسلام است. (پیغان، ۱۳۸۰: ش)

۱. «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» المؤمنون/۵۲؛ این است امت شما که امتی یگانه است، و منم پروردگار شما، پس مرا بپرستید. نیز ر.ک: الأنبياء/۹.
۲. «وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ» هود/۱۱۸؛ اگر خدا می‌خواست شما را يك امت قرار می‌داد، ولی [خواست] شما را در آنچه به شما داده بیازماید. نیز ر.ک: المائدة/۴۸؛ الشوری/۸؛ النحل/۹۳.
۳. اگر خدا می‌خواست شما را يك امت قرار می‌داد، ولی [خواست] شما را در آنچه به شما داده بیازماید. المائدة/۴۸.

ج: آیاتی که دلالت می‌کند انسان‌ها در ابتدا امت واحدی بودند، سپس بین آنان اختلافاتی به وجود آمد و اتحادشان بر هم خورد یک مورد از این آیات ناظر به وحدت فطری و معیشتی (بقره/ ۲۱۳) و دیگری ناظر به وحدت دینی می‌باشد.^۴

د: نهمین آیه بیانگر این است که، بهره‌مندی کفار از انواع مواهب مادی سبب می‌شد همه مردم تمایل به کفر پیدا کنند، امت واحد در گمراهی گردند، برای جلوگیری از این اتفاق خداوند چنین برتری به کفار نداده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش: ۵۶/۲۱) یکی از این آیات که مفسران سعی بر بازسازی جریان آن داشته و در این راستا آرای گوناگونی پیرامون آن ارائه داده‌اند، آیه ۲۱۳ سوره بقره است، که به وحدت مردم، عوامل بعثت پیامبران و فلسفه آن اشاره می‌کند. در این آیه شاهد بروز حوادثی با ترتیب زمانی هستیم که در مقطعی از تاریخ برای زندگی اجتماعی انسان از دورانی خاص یاد شده و از آن به امت واحد تعبیر گردیده است:

كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ^۵

ظاهر آیه بیانگر این است که مردم در ابتدا امت واحدی بودند، سپس خداوند پیامبران را فرستاد تا در موارد اختلاف میان آنها داوری کنند برخی افرادی که کتاب برایشان فرستاده شد به خاطر بغی و حسدی که میانشان بود در آن اختلاف کردند. با توجه به اینکه محتوای آیه مورد اختلاف بوده و وجوه متفاوتی برای تبیین آن ارائه شده است؛ از جمله پیرامون: معنای کان، مراد از ناس و امت واحد، تعیین نوع وحدت، زمان زیست امت واحد، و منظور از اختلاف مطرح شده در آیه؛

۴. ﴿وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا وَلَوْ لَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ فِيمَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ﴾
یونس/ ۱۹.

۵. ﴿وَلَوْ لَا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِبُيُوتِهِمْ سُقْفًا مِنْ فِضَّةٍ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ﴾ الزخرف/ ۳۳.

۶. مردم همه يك گروه - يكسان و بر يك راه و روش و آيين - بودند، [سپس اختلاف کردند] پس خدا پیامبران را برانگیخت نویددهنده و بیم‌کننده، و با ایشان کتاب فرو فرستاد برآستی، تا میان مردم در آنچه اختلاف کردند حکم کند، و در آن اختلاف نکردند مگر همان کسان که کتاب بدیشان داده شده بود، از پس حجت‌های روشنی که به آنها رسیده بود، از روی بدخواهی و ستم در میان خویش، پس خداوند به خواست خود آنان را که ایمان داشتند به آن حقی که در آن اختلاف کردند راه نمود و خدا هر که را خواهد به راه راست راه می‌نماید.

از اینرو محتوای آن عرصه تضارب آرا از جهات مختلفی است، که با تبیین این موارد می‌توان مراحل تاریخی جامعه انسانی و دوران تکامل اجتماعی و اندیشه‌ای بشر را نیز بر مبنای آن ترسیم نمود و به تطبیق و مقایسه این ادوار با آنچه محققین اجتماعی از جمله کارل مارکس در این رابطه ترسیم می‌نمایند، پرداخت.

آیت الله محمد باقر حکیم و آیت الله طالقانی از جمله کسانی هستند که ذیل آیه با بیان مراحل تاریخی ادوار زندگی بشر به نقد نظر مارکس پرداخته‌اند. در این پژوهش این امر به روش کتابخانه‌ای با شیوه توصیفی و تحلیل محتوا انجام خواهد گرفت.

۱. مفاهیم

اساسی‌ترین واژگانی که مفهوم آنها در این آیه مورد اختلاف مفسرین بوده، عبارتند از: کان، الناس، أمة و واحدة، که در ادامه تبیین می‌گردد.

۱-۱. معنای کان

برخی با استناد به آیه «وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا» می‌گویند کان که فعل ماضی است، در این آیه منسلخ از زمان بوده^۷ (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق: ۱۲۶/۲) و بر همه زمان‌ها دلالت می‌کند. (رشید رضا، ۱۴۱۴ ق: ۲۸۰/۲) در حالیکه انسلاخ فعل کان از زمان گذشته، به قرینه نیاز دارد. در آیه «وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا» قرینه وجود دارد و آن نزاهت خداوند از زمانمندی است؛ پس توجیه این دیدگاه مخالف ظاهر لغت، سیاق کلام و بدون قرینه است؛ زیرا فعل، به وضع اولی دلالت بر حدوث در زمان دارد. (طالقانی، ۱۳۶۲ ش: ۱۰۹/۲) بنابراین، کان در این آیه منسلخ از زمان نیست، دلالت به گذشته دارد و از حال بشر اولی حکایت می‌کند. (قرشی بنایی، ۱۳۷۵ ش: ۱/۴۹).

۲-۱. منظور از ناس

در اینکه مراد از ناس چه کسانی هستند میان مفسرین تفاوت نظر وجود دارد، برخی بر این باورند:

۷. این لفظ اگر منسلخ از زمان نباشد به معنای بودن در گذشته است، اما اگر منسلخ از زمان باشد معنای «هست» را می‌دهد، و حکایت از گذشته و آینده نخواهد داشت.

۱. منظور حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام است. (فخر الدین رازی، ۱۴۲۰ق: ۶/۳۷۳؛ رشید رضا، ۱۴۱۴ق: ۲/۲۷۹؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ش: ۶/۳۷۳) این احتمال با ظاهر آیه که مردم را به صورت گروه واحد معرفی می‌کند، سازگار نیست؛ همچنین کلمه ناس بر خلاف واژه اُمت بَرِیک نفر اطلاق نمی‌شود. (جوادی آملی، ۱۳۸۵ش: ۱۰/۳۸۵)

۲. همان انسان‌های اولی هستند. (طباطبایی، ۱۳۹۰ش: ۲/۱۲۵؛ جوادی آملی، ۱۳۸۵ش: ۱۰/۳۸۷)

۳. بنی اسرائیل هستند، چون قرآن از آنان با صفت بغی یاد کرده است؛ اما صرف اینکه طایفه‌ای از بشر دچار بغی شده‌اند، دلیل نمی‌شود که هر جا سخن از بغی می‌رود بگوئیم مراد همان قومند. (طباطبایی، ۱۳۹۰ش: ۲/۱۲۶؛ جوادی آملی، ۱۳۸۵ش: ۱۰/۳۸۵)

۵. اهل سفینه نوح‌اند، که بر دین نوح بودند پس از آن مختلف شدند. (بلخی، ۱۴۲۳ق: ۱۸۲/۱؛ ابن جوزی، ۱۴۲۵ق: ۱/۳۱)

در مجموع از تفریع بعثت انبیای صاحب کتاب بر اُمت واحد می‌توان نتیجه گرفت که مراد از ناس همان انسان‌های اولی هستند، که در فاصله زمانی میان حضرت آدم و نوح می‌زیسته‌اند؛ چون طبق شواهد قرآنی و روایی اولین پیامبر صاحب شریعت حضرت نوح عَلَيْهِ السَّلَام بودند. (جوادی آملی، ۱۳۸۵ش: ۱۰/۳۸۵)

۳-۱. مفهوم شناسی واژه اُمت

اُمّة از ریشه (أ م م)، به معنای قصد مخصوص، (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۱۲/۲۳؛ مصطفوی، ۱۳۶۰ش: ۱/۱۳۵) در اصطلاح به گروه و جماعتی اطلاق می‌شود، که نوعی وحدت میان آنها حاکم است، و در یک ویژگی مثل دین، زمان، مکان، نوع یا صنف، مشترک هستند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۸۶) بر این اساس به پیروان یک دین و آئین بر اثر همسانی در دین، به مردمی که همزمان با یکدیگر در یک قرن یا در منطقه‌ای زندگی می‌کنند، یا گروهی از مردم که دارای عملکرد یکسانند اُمت اطلاق می‌شود. (طریحی، ۱۳۷۵ش؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۸۶)

این واژه در تعابیر قرآنی کاربردهای متفاوتی دارد و به چند معنا آمده است:

۱. همسانی در دین و آئین: ﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ﴾ (مؤمنون/۵۳؛ انبیاء/۹۲)

۲. به معنای جماعت: ﴿وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ﴾ (اعراف/۱۸۱)

۳. به معنای چند سال: ﴿وَإِذْ ذَكَرَ بَعْدَ أُمَّةٍ﴾ (یوسف/۴۵) یعنی بعد از گذشتن اهل يك زمان یوسف را یاد آورد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۸۶)

۴. گاهی اطلاق می‌شود بر يك فرد، امامی که پیشوا و مقتدای سایرین است: ﴿إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ﴾ (نحل/۱۲۰) حضرت ابراهیم علیه السلام به تنهایی يك امت شمرده شده؛ یعنی او در عبادت خدا در مقام يك جماعت بود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۸۶)

برخی واژه امت در آیه مورد بحث را به معنای ملت و دین (ابوعبیده، ۱۳۸۱ق؛ رشید رضا، ۱۴۱۴ق: ۲۷۶/۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۵۴۳/۲؛ طریحی، ۱۳۷۵ش: ۱۲/۶) برخی دیگر به معنای صنف و جماعت می‌گیرند. (فضل الله، ۱۴۱۹ق: ۱۴۳/۴؛ ماتریدی، ۱۴۲۶ق: ۱۰۷/۲) ظاهراً امت در اینجا به معنای همان جماعت واحد است، جماعت واحده در فطرت اولی و عدم اختلاف. (قرشی بنایی، ۱۳۷۵ش: ۳۸۵/۱) در این تعبیر قرآن نمی‌خواهد بیان کند که پیش از آمدن پیامبران، امت به مفهوم انسان‌های هم عقیده و مذهب به معنای امروزی آن مراد بوده، بلکه معنای لغوی آن مراد است.

۴-۱. تعیین نوع وحدت انسان‌های اولی

درباره این که مقصود از یگانگی انسان‌های نخستین چیست، اختلاف نظر وجود دارد. برخی آن را یگانگی بر دین واحد که ایمان حقیقی برگرفته از دین الهی است، دانسته‌اند، (قمی، ۱۳۶۳ش: ۷۱/۱؛ اندلسی، ۱۴۲۰ق: ۳۶۳/۲؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۱۳/۶؛ میبیدی، ۱۳۷۱ش: ۵۵۵-۵۵۶/۱؛ طبری، ۱۴۱۲ق: ۱۹۶/۲) که در این راستا برخی آن را اتفاق بر دین اسلام می‌دانند. (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۲۵۶/۱) گروهی معتقدند آنان، در اعتقاد و عمل به کفر، اتحاد داشته‌اند. (ماتریدی، ۱۴۲۶ق: ۱۰۹/۲؛ میبیدی، ۱۳۷۱ش، ۵۶۵/۱؛ قرطبی، ۱۳۶۴ش: ۲۲/۳) برخی نیز یگانگی را به معنای فطرت‌های سالم و دست نخورده، هم‌زمان با زندگی ساده و نخستین انسان‌ها دانسته‌اند. که دارای اتحاد اندیشه در شؤون زندگی بوده‌اند، (فضل الله،

۱۴۱۹ق: ۱۴۲/۴) موافق فطرت و عقل خود عمل می‌کردند. (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶ش: ۵۶/۲)

با توجه به این نکته که اختلافات انسان‌ها غالباً از برخورد منافع آنان با یکدیگر برمی‌خیزد، از وحدت جوامع نخستین استفاده می‌گردد، که آنان از نظر معیشت و منافع نیز تضادی نداشته‌اند. (همان) به دلیل کثرت منابع و قلت انسان‌ها، مشکلی از جهت دسترسی به منابع وجود نداشته و مایه وحدت نوعیت آنها بوده، تا سرانجام بر اثر افزایش افراد، اختلاف در معاش رخ داده و متعاقب آن انبیاء علیهم‌السلام برای رفع آن مبعوث شده‌اند. (صدر، ۱۳۹۳ش: ۲۸۱)

از میان این دیدگاه‌ها، یگانه دانستن انسان‌ها در پذیرش کفر، درست نیست؛ زیرا سرشته شدن فطرت آدمی با کفر در ابتدای حیات را در پی دارد و آن، خلاف آموزه‌های قرآن است، که خداشناسی را فطرت آدمی می‌شناسد.^۸ اگر قبل از بعثت انبیاء علیهم‌السلام مردم همگی امت واحده‌ای در ضلالت بودند، معنا ندارد این ضلالت را به علمای دین نسبت دهد. و اگر همگی دارای هدایت بوده‌اند نیازی به ارسال انبیاء علیهم‌السلام نبود. (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۱۲۵/۲؛ جوادی آملی، ۱۳۸۵ش: ۳۸۷/۱۰) بنابراین می‌توان گفت انسان‌های اولی بر اساس فطرت و سادگی، اختلافی با هم نداشتند، برخوردار از وحدت فطری بوده‌اند. به تدریج بر اثر پیشرفت علم و گسترش روابط اجتماعی، اختلافات علمی و عملی در آنان راه پیدا کرد و زمینه بعثت پیامبران اولوا العزم علیهم‌السلام و نزول کتاب‌های حاوی حقوق فراهم شد. (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۸ش: ۲۵۱/۱)

۵-۱. زمان یگانگی امت واحده نخستین

عالم ذر، (طبری، ۱۴۱۲ق: ۴۵۶/۲) دوران آدم علیه‌السلام (یزیدی، ۱۴۰۵) ۱۰ قرن فاصله زمانی میان آدم و نوح علیه‌السلام، (اندلسی، ۱۴۲۰ق: ۳۶۳/۲؛ طبری، ۱۴۱۲ق: ۴۵۵/۲؛ میبیدی، ۱۳۷۱ش: ۵۶۵/۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش: ۹۵/۲) دوران آدم تا ادریس علیه‌السلام دوران آدم علیه‌السلام تا رسالت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، دوران ابراهیم علیه‌السلام، (قرطبی، ۱۳۶۴ش: ۲۲/۳) و دوران بنی اسرائیل، (فخر رازی، ۱۴۲۰ش: ۱۵/۶) دیدگاه‌هایی است که در تعیین زمان یگانگی امت

۸. ﴿فَطَوَّرَ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا﴾ روم/۳۰.

واحدۀ نخستین ارائه شده است. در میان این دیدگاه‌ها، دوران میان آدم تا نوح منطقی‌تر به نظر می‌رسد؛ و از این دوران به بعد در اثر پیچیده شدن نظام اجتماعی و رهیافت نحله‌های فکری، اختلاف عقیدتی-اجتماعی میان مردم رخ می‌نماید. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش: ۹۵/۲؛ مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲ ش: ۷۸/۲) روایت امام محمد باقر علیه السلام نیز مؤید این نظر است:

وَرَوَى أَصْحَابُنَا عَنِ الْبَاقِرِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: إِنَّهُ كَانُوا قَبْلَ نُوحٍ أُمَّةً وَاحِدَةً عَلَى فِطْرَةِ اللَّهِ لَا مُهْتَدِينَ وَلَا ضَلَالًا فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ.

(مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۱۱/۱۰، باب ۱، ص ۱؛ بحرانی، ۱۴۱۶ ق: ۱/۴۵۲)

۶-۱. بعثت انبیاء علیهم السلام و بیداری انسان‌ها

با ایجاد اختلاف میان جوامع بشری و نیازمندی به قانون، خداوند برای رفع اختلاف، قانون را در قالب کتاب‌های آسمانی فرستاد و برای اجرای آن، پیامبران را مبعوث کرد: (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶ ش: ۵۵/۲)

فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ وَ أَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ

تا بشارتی برای منادیان وحدت و اندازی برای داعیان اختلاف در دین باشند. (طباطبایی، ۱۳۹۰ ش: ۲/۱۹۱)

۷-۱. مراد از اختلاف و منشأ آن

بیشتر مفسران بر این باورند که در آیه مجاز حذف رخ داده، یعنی مردمی که دارای همزیستی مسالمت آمیز بودند پیش از بعثت پیامبران با یکدیگر دچار اختلاف شدند. تعبیر «لِيَحْكُمَ» هدف از بعثت پیامبران را رفع آن اختلاف قرار داده است. بنابراین قبل از «فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ»، جمله‌ای که حاکی از اختلاف باشد، در تقدیر خواهد بود، به این صورت: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً فَاخْتَلَفُوا فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ». (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶ ش: ۵۳/۲)

این اختلاف، منشأ فطرت، غریزه بشری و خصلت استخدام‌گری بود؛ برخاسته از نقصان بشری، که ریشه در جهل و بی‌خبری داشته و با پیشرفت علم و گسترش روابط اجتماعی پدید می‌آید. زمینه‌ساز بعثت انبیاء علیهم السلام و گویای ضرورت وحی است. اختلافی که در امر دنیاست و باعث تشریع دین شد. (جوادی آملی، ۱۳۸۵ ش: ۳۸۰؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷ ش: ۲/۱۷۰)

دومین اختلاف، اختلافی است که پس از تشریح دین، در خود دین و کتاب پدید می‌آید و منشأش ستمگری و طغیان است:

وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ

اختلافی ناشی از هواهای نفسانی، که پس از نزول وحی و آشکار شدن حق بوجود می‌آید. سرچشمه اختلافات پیشین جهل و بی‌خبری بود، که با بعثت انبیاء عليهم السلام و نزول کتاب رفع شد در حالی که سرچشمه اختلافات بعد مقتضای فطرت نبود، بلکه ستمگری و انحراف آگاهانه از راه حق بود.

پس از بیان منشأ اختلاف در دین فرمود: خدای سبحان مؤمنان را چون مصداق **﴿بَغْيًا بَيْنَهُمْ﴾** نبودند به سوی حق هدایت می‌کند (قرشی بنایی، ۱۳۷۵ش: ۱/۳۸۷): **﴿فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ﴾**. بنابراین اولین رفع اختلافی که در بشر صورت گرفته به وسیله دین بوده، ابتدا رافع اختلاف ناشی از فطرت، سپس رافع اختلاف‌های فطری و غیر فطری شد. (طباطبایی، ۱۳۹۰ش: ۲/۱۲۰)

۸۱. تناسب آیه ۲۱۳ سوره بقره با آیات قبل و بعد

بعد از بیان حال مؤمنان، منافقان و کفار در آیات پیشین، در آیه ۲۱۳ به سراغ يك بحث اصولی و جامع در مورد پیدایش دین، اهداف و مراحل مختلف آن می‌رود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش: ۲/۹۵) آیات ۲۰۸ تا ۲۱۴ راه‌های حفظ وحدت و عوامل پیدایش اختلاف را بیان می‌کند تا مؤمنان با رعایت راهکارهای وحدت و پرهیز از عوامل اختلاف، وحدت جامعه دینی را حفظ کنند. (جوادی آملی، ۱۳۸۵ش: ۱۰/۳۸۱) ارتباط محتوایی این آیه با آیات سابق از آن جهت است، که اختلاف با مراجعه به کتاب خدا و ترك هواهای نفس قابل رفع است، اختلاف گذشتگان نیز در اثر عدم توجه به کتاب و پیروی از اغراض بوده، شما نیز اگر به کتاب رو آورید و از اغراض شخصی صرف نظر کنید متحد خواهید بود. (قرشی بنایی، ۱۳۷۵ش: ۱/۳۸۴)

۹۱. جمع‌بندی

کلمه کان در آیه ۲۱۳ سوره بقره دلالت به گذشته دارد و از حال بشر اولی حکایت می‌کند. مراد از ناس انسان‌های اولی هستند، که در فاصله زمانی میان حضرت آدم و نوح عليهما السلام می‌زیسته‌اند. امت در اینجا به معنای جماعت است. اجتماعی برخوردار از وحدت فطری - معیشتی. سپس در

امور دنیوی دچار اختلاف شدند، اختلافی ناشی از فطرت که زمینه ساز بعثت انبیاء و نزول کتاب الهی گردید. برخی ایمان آورده راه هدایت را پیمودند و عده‌ای با ایجاد اختلاف در کتاب الهی زمینه ضلالت خود را فراهم نمودند. آیه بیانگر دو اختلاف است: اختلافی به مقتضای فطرت، و اختلافی مستند به بغی و تعدی از حدود فطرت، عامل رفع اختلاف نیز دین است.

بر مبنای این آیه سیر تاریخی جوامع بشری از وحدت به اختلاف، (رضایی اصفهانی، همان) و بعثت پیامبران، نقطه عطفی در تاریخ تکامل انسان‌ها بوده است. (طباطبایی، همان)

برخی مفسرین متأخر از حدود سال‌های ۱۳۶۲ شمسی به بعد گویی متأثر از مباحث زمانه خود در پاسخگویی به متفکران غربی برای مباحث ارائه شده تاریخ جوامع بشری، بر آمده و با استناد به آیه ۲۱۳ سوره بقره به بیان مراحل برای سیر تاریخی تکامل جوامع بشری و نقد نظر محققین اجتماعی غرب پرداخته‌اند. در تفاسیر متقدم رد پای از این تقسیم‌بندی تاریخی به چشم نمی‌خورد. در ابتدا با اشاره‌ای به نظریه تاریخی کارل مارکس برای ادوار بشریت، نظریات مفسرین نیز بیان و با یکدیگر مقایسه خواهد شد.

۲. نظریه تاریخی کارل مارکس در رابطه با ادوار تاریخ بشریت

پیشرفت‌های چشم‌گیر در زمینه دانش‌های کاربردی و صنعت که در سده هجدهم در اروپا رخ داد منجر به تحوّل در نگرش اندیشمندان به علوم انسانی و اجتماعی گردید. در پاسخ به این پرسش که چه عامل بیرونی باعث تکامل جوامع انسانی می‌شود جامعه‌شناسان کارکردگرا نیازهای جامعه و محیطی که انسان در آن زندگی می‌کند، و جامعه‌شناسان مارکسیسم اقتصاد را عامل تکامل می‌دانند. (زیبا کلام، ۱۳۹۰: فصل ششم: آیا جامعه‌شناسی علم است؟)

کارل هاینریش مارکس متولد ۱۸۱۸ میلادی در تریر آلمان و متوفای ۱۸۸۳ (مارکس، ۱۳۵۲: ۱۷/۱) با اینکه به طور ویژه به جامعه‌شناسی پرداخته بود، اما یک ستون بنیادی جامعه‌شناسی بر دوش او و اندیشه‌هایش قرار گرفت. (زیبا کلام، ۱۳۹۰: ۶۵) نظریه تاریخی او به معنای درک تحولات جوامع بشری بر مبنای شرایط مادی در همه دوره‌های تاریخی بشر است. معتقدان به این نظریه بر آنند که با استفاده از این نظریه نه تنها می‌توان علت همه تحولات جامعه بشری را در گذر تاریخ تحلیل کرد بلکه با استفاده از این نظریه امکان پیش‌بینی آینده بشر هم موجود است. (همان)

مارکس معتقد است نیاز اصیل در انسان نیاز مادی است. جستجوی خوراک، سرپناه و پوشاک، هدف‌های اصلی انسان در سپیده دم تاریخ بشر بود. که با برآورده شدن آنها نیازهای دیگری پدید می‌آید. این کشمکش ادامه می‌یابد، همین‌که انسان‌ها در مسیر تکاملی‌شان مرحله ابتدایی و اشتراکی را پشت سر می‌نهند برای برآورده ساختن نیازهایشان درگیر یک همزیستی تنازع‌آمیز می‌شوند، نتیجه این تنازع تقسیم کار است؛ به محض پدید آمدن تقسیم کار طبقات متنازع پدید می‌آیند. (کوزر، بی تا: ۷۶) مارکس مراحل تاریخ بشری را بر اساس نظام‌های اقتصادی تعیین می‌کند (ریمون، ۱۳۸۷: ۱۷۴) و مایه اصلی بیانیه کمونیستی او نبرد طبقاتی است. (همان: ۱۷۴)

او تاریخ بشر را اینگونه تقسیم می‌کند: ۱. کمون اولیه ۲. برده‌داری ۳. فئودالیسم (کشاورزی) ۴. بورژوازی (سرمایه‌داری) (همان، ۱۶۷؛ کوزر، بی تا: ۷۶؛ زیبا کلام، ۱۳۹۰: ۸۷) ۵. سوسیالیسم (مکتبی مبتنی بر اصالت جامعه و اشتراکیت ابزار تولید) ۶. کمونیسم (مرحله‌ای پیشرفته‌تر از سوسیالیسم: مدینه فاضله اجتماعی). (توسلی، ۱۳۸۸: ۸۵)

کمون اولیه مربوط به دوره‌ای است که انسان‌ها به صورت دسته‌جمعی زندگی می‌کردند. تولید محدود به شکار و جمع‌آوری گیاهان می‌شد و مالکیتی در آن مطرح نبود. در این دوره تکامل فرهنگی نامحسوس و اندیشه استثمار انسان و موضوع طبقات به ذهن بشر راه نیافته بود. (زیبا کلام، پنج گفتار، ۱۳۹۰ ش: ۳۷؛ هاشمی شیری، ۱۳۸۳ ش: ۶۲؛ زیبا کلام، جامعه‌شناسی به زبان ساده، ۸۲)

دوره دوم مربوط به نظام برده‌داری است که در آن ماهیت ابزار تولید (زور بازوی انسان)، منجر به این می‌شود دسته‌ای از انسان‌ها دسته‌ای دیگر را به عنوان برده به کار بگیرند. در مرحله سوم با تحوّل در ابزار تولید و اختراع ابزاری مانند گاوآهن و... و وابستگی تولید به زمین، مناسبات تولیدی دگرگون شده، تاریخ وارد مرحله سوم، دوره فئودالی (انقلاب کشاورزی) می‌شود. (کوزر، بی تا: ۷۶؛ زیبا کلام، پنج گفتار،) در این دوره مالکیت اراضی بزرگ در اختیار یک نفر است و اکثریت رعیت او هستند. (هاشمی شیری: ۱۳۸۳ ش: ۳۷)

مرحله چهارم از تحوّل ابزار تولید و تکامل جامعه بشری با ایجاد کارخانجات صنعتی آغاز می‌شود و نقطه اوج آن انقلاب صنعتی و علمی است. در این مرحله دو طبقه وجود دارد: بورژواها (صاحبان امکانات تولید) و پرولترها (کارگران). (زیبا کلام، پنج گفتار در باب حکومت) نظام

بورژوازی (نظام تجارت و کارخانه‌داری) جانشین نظام اربابی می‌شود (هاشمی شیری: ۱۳۸۳ش: ۳۷) سرانجام با انقلاب پرولتری سرنگون شده، طبقه پرولتاریا قدرت را در دست گرفته، اختلاف طبقاتی را از میان بر خواهد داشت و با ایجاد نظام سوسیالیستی بشریت را از تضادهای نظام سرمایه‌داری رها می‌سازد. (توسلی، ۱۳۸۸: ص ۸۶-۸۵؛ کوزر، بی تا: ۸۰) جدال طبقاتی طی یک روند باعث ظهور دوره‌های جدید می‌شود و کمون ثانویه که جامعه بی‌دولت خواهد بود در انتها تشکیل می‌شود. (زیباکلام، پنج گفتار در باب حکومت، ۱۳۹۰ش)

در هر یک از این دوره‌ها بین دو طبقه تضاد وجود دارد و این تضاد به همراه دگرگونی در ابزار و مناسبات تولیدی به عنوان عوامل زیربنایی، باعث تکامل جامعه بشری و انتقال از دوره‌ای به دوره دیگر می‌شوند. در دوران برده‌داری، فئودالیسم و سرمایه‌داری تضاد میان برده‌ها و برده‌داران، فئودال‌ها و سرف‌ها (ارباب و رعیت) و بورژواها و پرولترها (کارفرما و کارگر) است. این تضاد منجر به انقلاب در پایان مرحله سرمایه‌داری و گذار به سوسیالیسم خواهد شد. (همان)

از نظر مارکس عامل تحوّل جامعه اقتصاد می‌باشد که به عنوان زیر بنا قرار می‌گیرد و تعیین کننده نوع زندگی، فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی می‌باشد. در هر دوره از این مراحل به شکلی خود را نشان می‌دهد و به تبع آن رو بناها هم تغییر می‌کند. (هاشمی شیری: ۱۳۸۳ش: ۳۶)

نیروهای متضاد تاریخی برای همیشه دوام نخواهد داشت و تاریخ به مرحله‌ای خواهد رسید، که تضاد اجتماعی پایان یابد و مدینه فاضله اجتماعی فرا رسد. (توسلی، ۱۳۸۸: ۸۵)

۳. مراحل تکامل تاریخی زندگی بشر بر مبنای آیه ۲۱۳ سوره بقره از دیدگاه مفسرین

معاصر

آیت الله طالقانی رحمته‌الله‌علیه اولین مفسری هستند که متذکر مراحل مذکور در آیه ۲۱۳ سوره بقره و نقد نظریه محققین مادی در جهت دسته‌بندی این مراحل تاریخی شده‌اند. ایشان آیه را متضمن پنج دوره فکری-اجتماعی انسان و تکامل نبوت می‌دانند:

۱- دوره انسان فطری که در اندیشه و صورت اجتماعی همسان و نوع یا اکثر انسان‌ها امت واحد بودند.

۲- مرحله بلوغ و ظهور نیروی تخیل و عقل اکتسابی که در اندیشه و بینش جهانی اختلاف پدید آمد.

۳- مرحلهٔ بعث پیامبران برای رها کردن عقول و اجتماع از اختلاف.
 ۴- توجیه کتاب و شریعت بر طبق امیال توسط برخی دینداران، اختلاف در دین، کم‌رنگ شدن آئین توحید، فراهم شدن زمینه برای سلطهٔ طاغوت.
 ۵- هدایت صاحبان بینش برتر. (طالقانی، ۱۳۶۲ش: ۱۱۰/۲)
 ایشان در ادامه متذکر تفاوت ادوار مطرح شده در این آیه با آنچه محققین اجتماعی-مادی ترسیم می‌نمایند، می‌شوند:

الف: محققین اجتماعی و مادی تحولات اندیشه‌ها و اجتماعات بشری را نموداری از تحولات عناصر طبیعی می‌پندارند و نقش سازندهٔ پیامبران را با همهٔ آثاری که دارد نادیده می‌گیرند. (همان، ۱۱۳/۲)

ب: آنها ادیان توحیدی را نتیجهٔ تکامل توهمات بشر جاهل اولی می‌دانند که برای کشف علل حوادث طبیعی، مبادی و خدایانی تصویر می‌نمود. درحالی‌که این آیه و آیات دیگر انگیزهٔ پرستش را در عمق فطرت نشان می‌دهد، بشر اولی چون در مرحلهٔ فطرت بود دارای نیروی تخیل نبود، و تصویری خیالی از دریافت فطری نداشت، توچهش به علت و پناهگاهی مطلق بود. (همان، ۱۱۴/۲)

ج: از نظر تکامل اجتماعی بر مبنای مادی برای توحید فکری، و از میان بردن ریشهٔ اختلافات اصول ثابتی موجود نیست؛ زیرا طرفدار هر مکتبی حق را از دریچهٔ خود می‌نگرد. لذا منشأ اختلاف نمی‌تواند رافع آن باشد. تبیین اصول ثابت، توحید فکری و اجتماعی را رسالت پیامبران انجام می‌دهد که از مبدأ برتری در می‌یابد. (همان، ۱۱۵/۲)

سید محمد باقر حکیم رحمته‌الله با بیان اینکه حرکت بشری و جامعهٔ انسانی چند مرحلهٔ بنیادین را پشت سر نهاده که دین در این مراحل نقش ویژه‌ای داشته، (حکیم، ۱۳۷۸ش: ۱۰۱) مراحل تاریخ جامعهٔ انسانی را اینگونه بیان کرده‌اند:

۱. وحدت فطری: مرحله‌ای که روابط اجتماعی بر پایهٔ فطرت انسانی استوار بوده است.
۲. اختلاف ابتدایی: به سبب آنچه اوضاع اجتماعی ایجاد می‌کرد بوجود آمد. سرکشی و ناسازی هدف‌ها، منجر به بت‌پرستی ابتدایی شد.
۳. وحدت دینی: بر پایهٔ باور دینی به خدا، اخلاق و ارزش‌ها توسط شریعت استوار است، که از زمان نوح آغاز شد.

۴. اختلاف بتپرستی: به تدریج تحوّل پیدا کرد و به صورت پدیده فرعونى تجسم یافت. انسان خويشتن را به عنوان آرمان برتر جامعه انسانی مطرح کرد تا به جای خدا مورد پرستش قرار بگیرد. دین در مرحله پیشرفته‌تری آمد تا این نوع اختلاف را برطرف کند.

۵. وحدت دینی اجتماعی: بر پایه واحد الهی استوار است، دو عنصر بنیاد دینی و رهبری دینی بر آن افزوده می‌شود. در زمان ابراهیم علیه السلام آغاز شد و به گونه تاریخی در زمان موسی علیه السلام تکامل یافت.

۶. اختلاف در دین، تفسیر، برداشت و اجرای آن: پدیده‌ای است در جامعه اسرائیلی که پراکندگی موجود در این جامعه را به نمایش می‌گذارد. رسالت حضرت عیسی علیه السلام نمایانگر این مرحله جامعه انسانی است.

۷. وحدت نهایی دینی: بر پایه یگانگی عقیده، رهبری، حکومت، و جامعه استوار است و آخرین رسالت الهی یعنی اسلام آن را آورد. (همان، ص ۳۳۸-۳۳۷) اسلام در بردانده عناصر بنیادین وحدت است که انسان را به هدف کامل وجود بشریت در زمین می‌رساند و این هدف همان وحدت واقعی اجتماعی است که خداوند مؤمنان شایسته را (نور / ۵۵) به آن در زمان امام مهدی علیه السلام وعده داده است. (حکیم، ۱۳۷۸ ش: ۳۴۰)

ایشان به تفاوت منظر اسلام و مارکسیسم پرداخته و می‌نویسند: نظریه مارکسیستی می‌گوید محتوای درونی انسان از عامل اقتصادی و تحوّل آن اثر می‌پذیرد؛ اقتصادی که موجب درگیری طبقاتی می‌شود. جامعه انسانی بر اثر عامل اقتصادی و ابزار تولید تغییر پیدا می‌کند. این تغییر بر درگیری طبقاتی بازتاب می‌یابد و بر محتوای درونی انسان منعکس می‌شود، با این انعکاس است که حرکت تاریخ انسانی آغاز می‌گردد. (همان، ۲۴۹) در حالیکه اسلام مشکل درگیری میان توانمند و ناتوان را همچون مارکسیسم در کشمکش میان یک طبقه و طبقه‌ای دیگر منحصر نمی‌کند، آن را در یک زمینه خاص نظیر اقتصادی منحصر نمی‌سازد و این درگیری را اختصاص به یک جامعه و یک مرحله تاریخی نمی‌دهد؛ بلکه آن را مشکل همه جوامع بشری در تمام دوران‌ها می‌داند و این کشمکش تا زمانی که جامعه به وحدت مطلوب نرسیده ادامه دارد. (همان، ۳۰۸-۳۰۷)

طبق دیدگاه علامه طباطبایی رحمته الله علیه، تاریخ در گذر از وحدت به اختلاف و از اختلاف به وحدت است. اصلی‌ترین مبنای تحلیلی ایشان در موضوع پیدایش و تغییرات جامعه اصل استخدام

است. طبق این اصل، انسان همواره در صدد به خدمت گرفتن دیگر موجودات در مسیر رسیدن به کمال است. (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۱۱۶/۲) وجود چنین اصلی در رفتار بشریت، پایه شکل‌گیری اجتماع قرار می‌گیرد و به دنبال آن، عدالت اجتماعی محقق می‌گردد و همین اصل عامل پیدایش اختلاف در میان انسان‌ها می‌گردد. (همان، ۱۷۶) بر مبنای ایشان بعثت انبیاء علیهم‌السلام سرفصل‌های اصلی تاریخ را رقم می‌زند. آنان با ارائه قوانین اجتماعی و تشکیل جامعه حول معارف توحیدی، موجب تکامل جامعه می‌گردند.

ایشان دیدگاه رایج غربیان در تقسیم‌بندی ادوار تاریخ بشریت را نفی کرده، با خرافه دانستن آن، سعی در ارائه سیری قرآنی از تاریخ بشریت دارند و می‌نویسند: در سیر تاریخی انسان قرآن کریم این تقسیم را صحیح می‌داند، که اولین دوره بشر دوران سادگی بوده، همه امت‌ها یک جور بوده‌اند، دوم دوره مادیت و حس‌نگری، استخدام‌گری، ایجاد اختلاف، بعثت پیامبران، دو دستگی مردم، دوباره اختلاف و آخرین ایستگاه تاریخ حاکمیت دین بر سرتاسر جهان، مرحله وحدت صالحه بشری است. (طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان)

سید محمد باقر صدر رحمته‌الله تقسیم قرآن برای زندگی انسان را چهار دوره می‌داند: ۱. دوران پرستاری و حضانت ربوبی (آفرینش، سکونت در بهشت، تعلیم اسماء و سجده بر آدم) ۲. دوران وحدت اولیه ۳. دوران پراکندگی و اختلاف که هنوز در آن به سر می‌بریم؛ آغاز آن با نبوت نوح علیه‌السلام پایانش به ظهور امام مهدی علیه‌السلام که ظهورش انسان را به دوران چهارم، دوران وحدت صالحه بشری، رهنمون خواهد ساخت. (صدر، ۱۳۹۳ش: ۳۱۷) ایشان لحاظ نکردن عنصر توحید و محدودیت جهان‌بینی را نقد نظریه مارکس می‌دانند. (همان، ۸۷)

در تفسیر نمونه مراحل مختلف پیدایش دین و مذهب به هفت دوران تقسیم شده است:

۱. امت واحد بودن، عدم تضاد، سادگی زندگی و پرستش خدا طبق فرمان فطرت ۲.

اجتماعی شدن زندگی

۳. بروز اختلاف عقیدتی و عملی ۴. بعث پیامبران ۵. ایجاد وحدت و خاموشی اختلافات در

پرتو تمسک به تعلیمات انبیاء علیهم‌السلام ۶. ایجاد اختلافی جدید بر اثر تفسیرهای نادرست تعلیمات

کتب آسمانی از سوی گروهی از مردم ۷. دو دستگی مردم: مؤمنان راستین تسلیم حق که برای

پایان دادن اختلافات جدید به تعلیمات انبیاء علیهم‌السلام بازگشتند، خداوند هدایتشان نمود و افراد

بی‌ایمان و ستمگری که در گمراهی و اختلاف باقی ماندند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش: ۹۵-۹۷/۲)

در تفسیر راهنما ناظر به آیه مورد بحث، چهار مرحله برای ادوار بشری مطرح شده است: ۱. یکنواختی رفتار انسان‌های نخستین ۲. مشاجره آنان در امور زندگانی اجتماعی ۳. بعثت انبیاء ﷺ برای حل اختلافات ۴. پیدایش اختلافات دینی و مذهبی. (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶ش: ۵۶/۲)

در تفسیر قرآن مهر، مراحل چهارگانه زندگی بشر اینگونه ترسیم شده است:

۱. زندگی ساده مردم نخستین، عدم درگیری و پرستش خدا طبق فرمان فطرت.
۲. تشکیل زندگی اجتماعی، ایجاد برخوردهای اجتناب‌ناپذیر، نیاز به تعالیم پیامبران، و صورت گرفتن تکامل انسان در همین مرحله.
۳. بعثت پیامبران و پایان یافتن اختلافات با پذیرش قوانین الهی.
۴. ایجاد اختلافات جدید که ریشه در ستم‌ها داشت، هنوز هم ادامه دارد. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷ش: ۱۷۱/۲)

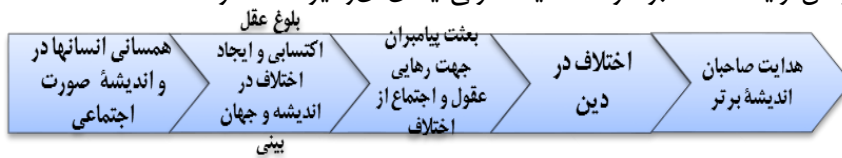
آیت الله جوادی آملی گذار از بساطت اجتماعی به اختلاف را این گونه توصیف می‌کند:

مردم پیش از بعثت حضرت نوح زندگی ساده‌ای داشتند، با بیش بسط و منش مشترك، امت واحدی بودند که هم در جهان بینی همفکر بودند و هم در تشخیص حق و باطل هم رأی. اختلافات جزئی را با رهنمود عقل و هدایت پیامبران پس از حضرت آدم رفع می‌کردند. همراه با پیشرفت علم و صنعت و گسترش روابط اجتماعی، اختلافات علمی و عملی در عرصه‌های فردی، اجتماعی و بهره‌وری از مواهب طبیعی بروز کرد و انظار در تشخیص حق و باطل و مصالح و مفاسد، متفاوت شد. این مطلب ضرورت بعثت پیامبران اولولعزم را در پی داشت. (جوادی آملی، ۱۳۸۵ش: ۳۸۰/۱۰)

۳-۱. جمع‌بندی نظر مفسران

مرحوم طالقانی رحمته‌الله‌علیه با ملاک قرار دادن اندیشه و عقل بشر آیه را به پنج دوره فکری و اجتماعی انسان و تکامل نبوت، تقسیم‌بندی نموده و به این نکته توجه دارند، که بخشی از اختلاف‌ها در

مرحله اول عملی است و با طرح عنصر اعتقاد تفاوت آن را با مارکسیسم نشان می‌دهند؛ معمولاً در مراحل اولیه اختلاف بر سر عقائد نیست ولی ایشان آن را نیز لحاظ کرده‌اند:



سید محمد باقر حکیم با تأکید بر نقش ویژه دین در حرکت بشری جزئی‌تر و با بیان مصادیق برخی دوره‌ها، مراحل تاریخ جامعه انسانی را در هفت دوران مطرح می‌کنند، بیان می‌کنند هر یک از این ادوار اختصاص به کدام پیامبر اولوالعزم دارد. ایشان باور توحیدی را عنصر ارزنده تحقق یافتن وحدت انسانی در طول مراحل تاریخ می‌دانند و اینکه آخرین دین به این باور توحیدی ابعاد تازه‌ای بخشید.

تفاوت دیدگاه ایشان با دیگر مفسرین در این است که نتیجه اختلاف ابتدایی در مرحله دوم را پدیدار شدن شرک و بت‌پرستی می‌دانند؛ یعنی در این مرحله عنصر عقیده و ایجاد بت پرستی اولیّه را هم لحاظ می‌کنند، که بیانگر وحدت عقیدتی در مرحله ابتدایی از نظر ایشان می‌باشد. و بعد از بیان ایجاد وحدت دینی در مرحله سوم چهارم را اختصاص به تحوّل اختلاف بت‌پرستی به صورت پدیده فرعون می‌دانند و در ادامه وحدت دینی - اجتماعی را مطرح می‌کنند که مشتمل بر دو عنصر بنیاد دینی و رهبری دینی است و آغاز آن از زمان ابراهیم علیه السلام است که بنیادهای توحیدی چون کعبه را به پا کرد و به گونه تاریخی در زمان موسی علیه السلام تکامل یافت. مرحله بعد را ناظر به اختلاف در دین، تفسیر، برداشت و اجرای آن در جامعه اسرائیلی می‌دانند، و هفتمین مرحله را دوره وحدت نهایی دینی که آخرین رسالت الهی یعنی اسلام آن را آورد و وحدت واقعی اجتماعی دوران حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه است:



ایشان تفاوت دیدگاه اسلام و مارکسیسم را اینگونه مطرح می‌کنند که اسلام مشکل درگیری میان توانمند و ناتوان را همچون مارکسیسم در کشمکش میان یک طبقه و طبقه‌ای دیگر و در زمینه خاص اقتصادی منحصر نمی‌سازد و این درگیری را اختصاص به یک جامعه و یک مرحله تاریخی نمی‌دهد؛ بلکه آن را مشکل همه جوامع بشری در تمام دوران‌ها می‌داند و این کشمکش تا زمانی که جامعه به وحدت مطلوب نرسیده ادامه دارد.

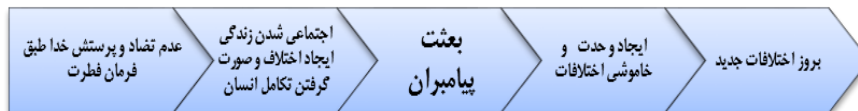
طبق دیدگاه علامه طباطبائی رحمته‌الله علیه تاریخ در گذر از وحدت به اختلاف و از اختلاف به وحدت است و بعثت انبیاء علیهم‌السلام سرفصل‌های اصلی تاریخ را رقم می‌زند و آنان با ارائه قوانین اجتماعی و تشکیل جامعه حول معارف توحیدی، موجب تکامل جامعه می‌گردند و آخرین ایستگاه تاریخ غلبه و حاکمیت دین بر سرتاسر جهان است. اصلی‌ترین مبنای تحلیلی ایشان در موضوع پیدایش و تغییرات جامعه اصل استخدام است، که پایه شکل‌گیری اجتماع، عدالت اجتماعی و نیز عامل پیدایش اختلاف می‌گردد، که دیگر مفسران به این صراحت مطرح نمی‌کنند. ایشان با نفی دیدگاه رایج غربیان در تقسیم‌بندی ادوار تاریخ بشریت و خرافه دانستن آن، سیری قرآنی از تاریخ بشریت ارائه می‌دهند:



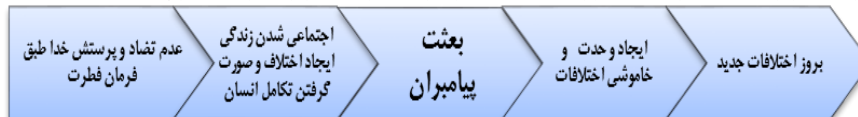
دوران حضانت ربوبی، وحدت اولیه، اختلاف و وحدت صالحه بشری، تقسیم بندی آیه الله سید محمد باقر صدر برای تاریخ زندگی انسان از منظر قرآن است، نه صرفاً بر مبنای آیه ۲۱۳ بقره؛ ایشان لحاظ نکردن عنصر توحید و محدودیت جهان بینی مارکس را نقد نظریه او می‌دانند. دیگر مفسران بدون اشاره به تفاوت دیدگاه اسلام و محققین مادی در این راستا، به بیان مراحل می‌پردازند. در تفسیر نمونه مراحل به این صورت مطرح شده است، که اختلاف ابتدایی را همچون سید محمد باقر حکیم ناظر به عقیده و عمل هر دو می‌دانند:



رضایی اصفهانی در تفسیر قرآن مهر تکامل انسان را ناظر به مرحله دوم زندگی اجتماعی بشر یعنی دوره ایجاد اختلاف می‌داند. این تفسیر و تفسیر نمونه پرستش خدا طبق فرمان فطرت را در مرحله اول لحاظ می‌کنند و مرحله بعد از بعث انبیاء ﷺ را مرحله خاموشی اختلافات پیشین می‌دانند:

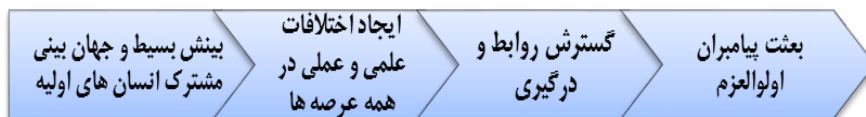


در تفسیر راهنما ناظر به آیه مورد بحث، چهار مرحله برای ادوار بشری مطرح شده است:



در این تفسیر مرحله آخر که ناظر به دو دستگی مردم و فعل خداوند نسبت به هدایت مؤمنین بیان نگردیده است.

توصیف آیت الله جوادی آملی از گذار از بساطت اجتماعی به اختلاف این گونه است:



بنابراین مفسرین معاصر در مواجهه با دیدگاه محققین مادی پیرامون تکامل تاریخی ادوار جامعه انسانی، با الهام گرفتن از آیه ۲۱۳ سوره بقره سعی در ارائه تصویری از مراحل تحول تاریخی بشر دارند، و با تفاوت‌هایی در بیان تعداد مراحل برخی کلی‌تر و برخی دیگر به صورت دقیق، جزئی، ذکر مصداق و کامل‌تر دیدگاه خود را در این راستا ارائه می‌دهند.

۴. نتیجه‌گیری

حرکت بشری و جامعه انسانی چند مرحله مهم و بنیادین را پشت سر نهاده، که دین در این مراحل نقش ویژه‌ای داشته است. بر مبنای آیه ۲۱۳ سوره بقره سیر تاریخی جوامع بشری از وحدت به

اختلاف، و بعثت پیامبران، نقطه عطفی در تاریخ انسان‌های نخستین بوده است، و عامل اصلی حرکت تکاملی تاریخ، انبیای الهی علیهم‌السلام بوده‌اند، که با اقامهٔ دین در صدد هدایت و سرپرستی تاریخ برآمده‌اند. باور توحیدی عنصر ارزندهٔ تحقق یافتن وحدت انسانی در طول دوران‌ها و مراحل تاریخ می‌باشد و آخرین دین به این باور توحیدی ابعاد تازه‌ای بخشیده است. هم‌اکنون جامعه در دوران پراکندگی و اختلاف بعد از بعثت انبیاء صاحب کتاب به سر می‌برد، که آغاز آن با نبوت نوح علیه‌السلام و پایانش به ظهور امام مهدی علیه‌السلام است که ظهورش بشریت را به دوران نهایی وحدت صالحه بشری رهنمون می‌سازد؛ دورانی که احکام حیات در آن با آنچه در آن به سر می‌بریم به لحاظ کمی و کیفی تمایز دارد و هر گونه مناسبات استثماراری نسخ می‌گردد و تمام کمالاتی که در سیر تاریخ برای انسان متصور است، در امت واحد پایان تاریخ محقق می‌گردد.

تفاوت مشهود نظریهٔ مارکس با نظریهٔ مبتنی بر قرآن، لحاظ نکردن عنصر عقیده در مراحل تکامل بشری است. مارکس تحوّل تاریخی بشر را بر اساس نظام‌های طبقاتی تعیین می‌کند، اوضاع و تحولات اندیشه‌ها و اجتماعات بشری را نموداری از تحولات عناصر طبیعی و مادی می‌پندارد و نقش محرک و سازندهٔ پیامبران در مراحل تاریخی ادوار بشریت را نادیده می‌گیرد:



در دسته‌بندی ارائه شده از سوی مارکس میان مفهوم مرحلهٔ اول یعنی کمون اولیه با نظریهٔ قرآن کریم اشتراک وجود دارد، که همان امت واحد بودن انسان‌های اولیه است، گرچه در تعیین نوع وحدت متفاوت‌اند. مرحلهٔ دوم نیز که ناظر به برده‌داری است با اصل استخدام‌گری که علامه طباطبایی رحمته‌الله مطرح می‌کنند مشترک است. در نظر مارکس نیروهای متضاد تاریخی برای همیشه دوام نخواهد داشت و تاریخ به مرحلهٔ پایان تضاد اجتماعی و ایجاد مدینهٔ فاضلهٔ اجتماعی خواهد رسید. این نتیجهٔ تاریخی از دیدگاه تکاملی مارکس نیز منطبق با وحدت نهایی صالحهٔ بشری از منظر اسلام می‌باشد، با این تفاوت که او از منظر اقتصادی به موضوع پایان تاریخ نگرینسته است. از نظر مارکس عامل تحوّل جامعه اقتصاد می‌باشد، که به عنوان زیربنا قرار می‌گیرد و در هر دوره از مراحل که نام می‌برد به شکلی خود را نشان می‌دهد، که به تبع آن

رویناها (فرهنگ، دین، و ...) هم تغییر می‌کند؛ اما ادعای او مطابق با واقع همه جوامع بشری نیست. اقتصاد همیشه زیربنا نیست بلکه دین، اندیشه و اراده هم می‌تواند زیربنا قرار گیرد. مؤید واقعی و تاریخی آن هم تحوّل است، که با ظهور اسلام در جامعه جزیره العرب که اقتصاد در نازلترین مرتبه بود، ایجاد شد. پس نمی‌توان بعثت انبیاء علیهم‌السلام که سرفصل‌های اصلی تاریخ را رقم می‌زند و موجب تکامل جامعه می‌گردد را نادیده گرفت. از اینرو نظریه مارکسیسم درباره حرکت روابط اجتماعی در طول تاریخ، مطابق با واقع نیست؛ زیرا ظهور انبیاء علیهم‌السلام مکمل روابط اجتماعی در سیر تاریخی تکامل بوده است. نظریه مارکس فقط مبتنی بر ابزار حسی است، لذا با مکتب اسلام که ابزار معرفتی خویش را بر عقل، وحی و حس قرار می‌دهد متفاوت است.

بنابراین، سیر تاریخی حرکت و تکامل جوامع بشری در گذار از وحدت به اختلاف و از اختلاف به وحدت را می‌توان بر محور ظهور انبیای صاحب کتاب علیهم‌السلام ترسیم نمود، نه مانند محققین مادی صرفاً بر مبنای اقتصاد و مسائل مادی:



قرآن کریم تشکیل امت واحد را يك برنامه وسیع و جهانی جهت تحقق حکومت جهانی واحد می‌داند. برای تحقق این آرمان در ادیان مختلف به ظهور مصلح آخر الزمان نوید داده است، که وی این امت جهانی را بنیان می‌نهد. از اینرو تاریخ در گذر از وحدت به اختلاف و از اختلاف به وحدت است؛ با این تفاوت که امت واحد نخستین برخوردار از وحدت نوعی و فطری در امور دنیوی و مادیات بوده‌اند، پرستش خدا نیز طبق فرمان فطرت بوده است، نه وحدت دینی زیرا شریعت و دین بعد از مرحله وحدت اولیه و بروز اختلاف مطرح شد، اما در آخرین ایستگاه تاریخ این وحدت، وحدت نهایی دینی و همه جانبه، اجتماعی - عقیدتی خواهد بود.

کتابنامه

۱. قرآن کریم، ترجمه فولادوند.
۲. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۲۵ق)، تذکرة الأریب فی تفسیر الغریب (غریب القرآن الکریم)، بیروت، دار الکتب العلمیة، چاپ اول.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
۴. ابو عبیده، معمر بن مثنی (۱۳۸۱ق)، مجاز القرآن، قاهره، مکتبة الخانجی، چاپ اول.
۵. اندلسی ابوحیان، محمد بن یوسف (۱۴۲۰ق)، البحر المحیط فی التفسیر، بیروت: دار الفکر.
۶. بحرانی، هاشم (۱۴۱۶ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، تهران: بنیاد بعثت.
۷. بلخی، مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ق)، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت: دار احیاء التراث، چاپ اول.
۸. پیغان، نعمت الله (۱۳۸۰ش)، «امت واحده از همگرایی تا واگرایی»، فصلنامه علوم سیاسی، سال چهارم، شماره ۱۵.
۹. توسلی، غلامعباس (۱۳۸۸ش)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: سمت، چاپ پانزدهم.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵ش)، تفسیر تسنیم، قم: اسراء، چاپ اول.
۱۱. حکیم، محمد باقر، المجتمع الإنسانی فی القرآن الکریم، ترجمه موسی دانش، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، دارالشامیة، چاپ اول.
۱۳. رشید رضا، محمد (۱۴۱۴ق)، تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار، بیروت، دارالمعرفة، چاپ اول.
۱۴. رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۸۷ش)، تفسیر قرآن مهر، قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، چاپ اول.
۱۵. ریمون، آرون (۱۳۸۷ش)، مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران: چاپ نهم.

۱۶. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، بیروت، دار الکتب العربی، چاپ سوّم.
۱۷. زیباکلام، صادق (۱۳۹۰ش)، پنج گفتار در باب حکومت، روزنه، چاپ اوّل.
۱۸. _____ (۱۳۹۰ش)، جامعه‌شناسی به زبان ساده، روزنه، چاپ سوم؛
۱۹. صادقی تهرانی، محمد (۱۳۸۸ش)، ترجمان فرقان: تفسیر مختصر قرآن کریم، قم: شکرانه، چاپ اوّل؛
۲۰. صدر، محمد باقر (۱۳۹۳ش)، سنت‌های تاریخ در قرآن، ترجمه جمال موسوی اصفهانی، قم: اسلامی.
۲۱. طالقانی، محمود (۱۳۶۲ش)، پرتوی از قرآن، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم.
۲۲. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه‌الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم.
۲۳. طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸م)، التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم (الطبرانی)، اردن، دار الکتب الثقافی.
۲۴. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲ق)، تفسیر جوامع الجامع، قم: حوزه علمیه قم: مرکز مدیریت، چاپ اوّل.
۲۵. _____ (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم.
۲۶. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، بیروت، دار المعرفة.
۲۷. طریحی، فخر الدین (۱۳۷۵ش)، مجمع البحرین، تهران: کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوّم.
۲۸. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوّم.
۲۹. فضل الله، محمد حسین (۱۴۱۹ق)، من وحی القرآن، بیروت، دار الملائک، چاپ اوّل.
۳۰. قرائتی، محسن (۱۳۸۸ش)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، چاپ اوّل.
۳۱. قرشی بنابی، علی اکبر (۱۳۷۵ش)، تفسیر احسن الحدیث، بنیاد بعثت، تهران: چاپ دوّم.

۳۲. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴ش)، الجامع لاحکام القرآن، تهران: ناصر خسرو، چاپ اول.
۳۳. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳ش)، تفسیر القمی، قم: دار الکتب، چاپ سوم.
۳۴. کوزر، لیوئیس، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ پنجم، تهران: علمی فرهنگی، بی‌تا.
۳۵. ماتریدی، محمد (۱۴۲۶ق)، تأویلات أهل السنة، بیروت: دار الکتب العلمية؛
۳۶. مارکس، کارل (۱۳۵۲ش)، سرمایه کاپیتال، ترجمه ایرج اسکندری، تهران: بی‌تا.
۳۷. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوارالجمعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، چاپ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۸. مرکز فرهنگ و معارف قرآن (۱۳۸۲ش)، دایرة المعارف قرآن کریم، قم: بوستان کتاب، چاپ سوم.
۳۹. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰ش)، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۴۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ش)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامية، چاپ دهم.
۴۱. میبیدی، ابوالفضل رشید الدین، (۱۳۷۱ش)، کشف الاسرار، تهران: امیرکبیر.
۴۲. هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۶ش)، تفسیر راهنما: روشی نو در ارائه مفاهیم موضوعات قرآن، چاپ اول، قم: بوستان کتاب.
۴۳. هاشمی شیری، مصطفی (۱۳۸۳ش)، علل و موانع تحولات اجتماعی از دیدگاه قرآن، رساله سطح ۳، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
۴۴. یزیدی، عبدالله بن یحیی (۱۴۰۵ق)، غریب القرآن و تفسیره، چاپ اول، بیروت، عالم الکتب.